

بیست مغلطه اقتصادی

سرشناسه	: وُرستال، تیم Worstell, Tim
عنوان و نام پدیدآور	: بیست مغلطه اقتصادی / تیم وُرستال؛ مترجم: امیرحسین خالقی.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۰ ص.
شابک	: 978-622-7326-36-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: 20 Economics Fallacies.
عنوان گسترده	: بیست مغلطه اقتصادی.
موضوع	: توسعه اقتصادی — Economic development
موضوع	: اقتصاد — Economics
شناسه افزوده	: خالقی، امیرحسین، ۱۳۵۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: HD۷۵
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۸/۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۵۶۲۹۲

# بیست مغلطہ اقتصادی

تیم وُ رستال

مترجم: امیر حسین خالقی



©Nashre Amareh, MMXXII



نشر آماره

عنوان کتاب: بیست مغلطه اقتصادی	Title: 20 economic fallacies
نویسنده: تیم وُرسنال	by Tim Worstall
مترجم: امیرحسین خالقی	Translator: A.H. Khaleqi
شابک: ۹-۳۶-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸	ISBN: 978-622-7326-36-9
نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۴۰۰	The 1 <sup>st</sup> Edition Published: 2022
تیراژ: ۵۰۰ نسخه	Circulation: 500 impression
هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد	No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد	The views expressed in this book represent those of the individual Authors and Editors. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh Press)
© تمامی حقوق چاپ و نشر محفوظ است	© ALL RIGHTS RESERVED

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین،

پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن: ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

[www.nashreamareh.ir](http://www.nashreamareh.ir)

## فهرست مطالب

- ۷..... مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی تیم وُرستال
- ۹..... مقدمه مترجم امیرحسین خالقی
- ۱۱..... مقدمه فرهاد مقدم سلیمی
- فصل نخست: رشد نامحدود در یک سیستم محدود ممکن نیست. ۱۴.....
- فصل دوم: درنسل پیش رو ذخایر معدنی ما تمام خواهند شد. ۲۱.....
- فصل سوم: نظریه ارزش کار. ۲۹.....
- فصل چهارم: علم اقتصاد می‌تواند راه حلی برای مشکلات ما فراهم آورد. ۳۴.....
- فصل پنجم: شرکت‌ها باید مالیات بیشتری بپردازند. ۴۰.....
- فصل ششم: فقط اگر صادرات زیاد داشته باشیم، در تجارت موفق می‌شویم. ۵۰.....
- فصل هفتم: دولت باید کالاها و خدماتی که عموم به آنها نیاز دارند را تامین کند. ۵۶.....
- فصل هشتم: خطر تغییر اقلیم (گرمایش جهانی) یعنی باید با هر هزینه‌ای اجازه ندهیم درجه حرارت زمین بیش از ۲ درجه بالاتر رود. ۶۴.....
- فصل نهم: جهانی سازی نئولیبرال فقط به سود ثروتمندان تمام شده و از این رونابرابری هم روبه افزایش است. ۷۱.....
- فصل دهم: ایجاد شغل فایده انجام فعالیت‌های اقتصادی است. ۷۷.....
- فصل یازدهم: کشورهای درحال توسعه باید از صنایع نوپای خود حمایت کنند. ۸۲.....

- فصل دوازدهم: مارگارت تاجر صنعت بریتانیا را نابود کرد. ۸۷.....
- فصل سیزدهم: معمای ایسترلین به این اشاره دارد که پول بیشتر آدم‌ها را خوشحال تر نمی‌کند. بنابراین می‌توانیم به جای تمرکز بر رشد اقتصادی بر موضوع نابرابری متمرکز شویم. ۹۲.....
- فصل چهاردهم: اگر شرکتی مالیات پرداخت نکند، ارزشی هم برای اقتصاد ندارد. ۹۸.....
- فصل پانزدهم: سفته‌بازی‌های مالی در مورد خاص مواد غذایی (غذا) باید ممنوع شود. ۱۰۳.....
- فصل شانزدهم: مغلظه میزان ثابت کار (زحمت). ۱۰۹.....
- فصل هفدهم: جهانی سازی برای محیط زیست زیانبار است. ۱۱۵.....
- فصل هجدهم: بازارها می‌توانند همه مسائل را حل کنند: نیازی به تنظیم‌گری نیست. ۱۲۲.....
- فصل نوزدهم: اگر بقیه در تولید همه چیز از ما بهتر عمل می‌کنند، تجارت کمکی به ما نمی‌کند. ۱۲۸.....
- فصل بیستم: با توجه به منحنی لافر می‌توان گفت که کاهش نرخ مالیات همیشه جبران می‌شود و درآمد دولت کاهش نمی‌یابد. ۱۳۲.....
- منابع برای مطالعه بیشتر. ۱۳۹.....

---

## مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی تیم وُرستال

---

اقتصاد را اغلب علم تخصیص منابع کمیاب تعریف می‌کنند. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مقدار خیلی از چیزها کمتر از آنی است که خواهان آن هستیم. غذا، زمین، مواد معدنی و نیروی کار انسان همه نمونه‌هایی از منابع کمیابی‌اند که می‌توانیم به کارشان بگیریم. هدف اقتصاد بنا بر این تعریف رایج، ارائه شیوه‌ها و راهکارهایی برای نظم‌بخشی به جهان است تا بیشترین بهره را از منابع محدود و پایان‌پذیر ببریم؛ منابعی که هرچند پایان‌پذیر و محدودند مقدارشان به هیچ‌روانک نیست.

چنین نگاهی البته نادرست نیست ولی اگر عمیق‌تر به موضوع بپردازیم ماجرا متفاوت خواهد بود. اینجا می‌توان گفت در واقع موضوع علم اقتصاد اینست که انسان‌ها چطور نسبت به کمیابی منابع واکنش نشان می‌دهند و چگونه با آن روبه‌رو می‌شوند. در این معنا اقتصاد کوچکترین شباهتی به فیزیک یا شیمی ندارد. اگر ما انسان‌های خردمند (هوموساپینس‌ها) متفاوت از چیزی بودیم که الان هستیم، علم اقتصاد هم چیز متفاوتی از آب در می‌آمد. اما در مورد شیمی یا فیزیک حرف به کلی چیز دیگری است؛ در واقع اینکه ما درباره آنها چه فکر می‌کنیم یا چطور عمل می‌کنیم حتی یک واورا هم در این دو علم تغییر نمی‌دهد.

حتا اجازه دهید ادعا کنیم کل موضوع علم اقتصاد چیزی جز خطاپذیری انسان‌ها نیست و البته خطاپذیری هم از آن چیزهایی است که کائنات در موردش برای ما کم نگذاشته است! از این رو

بررسی و نقادی اشتباه‌ها و خطاهای ما درباره رفتار انسان‌ها می‌تواند بسیار سودمند باشد. کتاب پیش رو نیز به همین بحث پرداخته است و البته تنها قدمی کوچک (یا بهتر بگوییم یک تاتی‌تاتی کودکانه) در این راه به حساب می‌آید. خیلی چیزها هست که مردم به آنها باور دارند ولی از نظر علم اقتصاد و با توجه به رفتار واقعی انسان‌ها نادرست‌اند. مغلطه هم اشاره به همین مواردی است که خیلی‌ها معتقدند مولای درز آنها نمی‌رود ولی در واقع چنین نیستند. اینجا بیست تا از این مغلطه‌ها را شرح داده‌ایم؛ مغلطه‌هایی که مردم به نادرست فکر می‌کنند توصیف رفتار انسان‌ها در شرایط کمیابی منابع است.

تاکنون علت اصلی فقر در دنیای مدرن چیزی جز ایده‌ها و سیاست‌های بد اقتصادی نبوده است. بنابراین طبیعی است که بگوییم بهترین کار پنجه‌به‌پنجه شدن و رویارویی با چنین ایده‌های نادرستی است؛ شما این طور فکر نمی‌کنید؟



---

## مقدمه مترجم امیرحسین خالقی

---

جان مینارد کینز بزرگ، اقتصاددان شهیر بریتانیایی، زمانی گفته بود پذیرش ایده‌های نوآقندر دشوار نیست که از شرایده‌های کهنه رها شدن! در قلمرو علم ملال‌آور اقتصاد، بدفهمی‌ها و «دروغ‌های حقیقی» کم نیستند؛ بسیاری از این دروغ‌ها طی زمان آنقدر تکرار شده‌اند که کمتر کسی امروز در درستی آنها تردید روا می‌دارد. از این رو غریب نیست اگر ادعا کنیم بخش بزرگی از یادگیری اقتصاد همین آشنایی با مغلظه‌ها و خطاهای رایج است.

نویسنده این کتاب تیم وُرستال از موسسه ادام اسمیت انگلستان برای خواننده ایرانی علاقه‌مند به اقتصاد چهره‌ای آشناست. تاکنون کتابی از وی به فارسی منتشر نشده ولی یادداشت‌های وی بارها در مجلات اقتصادی، به ویژه هفته‌نامه تجارت‌فردا، به چاپ رسیده است. او اینجا تلاش کرده است با زبانی ساده و بدون پیچیدگی‌های معمول متن‌های اقتصادی به بیست مغلظه رایج پردازد؛ مغلظه‌هایی که می‌تواند حتا برای افراد آشنا با علم اقتصاد هم جالب باشد. کتاب دیگری «بیست و سه نکته که باید درباره سرمایه‌داری بدانید» نیز بسیار خواندنی است؛ این کتاب اخیر در واقع پاسخی به کتاب مشهور «بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری» اثر اقتصاددان کره‌ای تبارها-جون چانگ است که نگاهی نقادانه به اقتصاد بازار آزاد دارد.

هر فصل از کتاب به توضیح کوتاه یک مغلظه رایج اقتصادی می‌پردازد. فصل‌ها تقدم و تاخر خاصی ندارند و خواننده می‌تواند

آنها را مستقل از یکدیگر مطالعه کند. تلاش مترجم این بوده است که بتواند معنای متن را با زبانی ساده انتقال دهد و در این مسیر سعی کرده است در عین وفاداری به متن اصلی با برخی اضافات و اصلاحات آن را برای خواننده فارسی زبان خواندنی تر سازد. ناگفته پیداست که با تمام تلاش‌ها این کتاب نیز مثل هر نوشته بشری دیگر عاری از خطا نیست؛ اما امیدوارم با بازخور خوانندگان کاربلد بتوان ایرادهای احتمالی را کشف و اصلاح کرد.

بجاست از حامی محترم کتاب جناب آقای فرهاد مقدم سلیمی، مدیر عامل فرهیخته شرکت فرهاد اکسچینج، سپاس ویژه داشته باشم که بدون حمایت و کمک ایشان ترجمه و چاپ این کتاب ممکن نمی‌شد. همچنین باید از دوست ارجمندم محمد ماشینچیان تشکر کنم که نخستین بار کتاب را معرفی کرد و زحمت تعامل با نویسنده بر دوش او بود. از جناب آقای فرهاد نوع‌پرست مدیر نشر آماره که کار چاپ کتاب را پیش بردند نیز بسیار سپاسگزارم.

---

## مقدمه فرهاد مقدم سلیمی

---

ذهن ما انسان‌ها اغلب سرشار از مغالطات و تفکرات غلطی است که پایه‌ای در علم و دانش ندارند و بر پرتگاه باورها و تعصبات بی‌پایه بنا شده‌اند. نکته آنجاست که اغلب موارد حتا وقتی عقل و خردمان اندک خلل و شبهه‌ای در تفکرات غلط و مغالطات حاکم بر ذهنمان ایجاد می‌کند، تمایل ما به «خاموشی عقل» و انتخاب باورهای پیش‌فرض غالب است. به این ترتیب برخی از ما انسان‌ها در ذهنمان به مقامات برساخته‌ای می‌رسیم که اگرچه نزد خودمان شامخ و رفیع هستند، لیکن جز مقام «خاموشی عقل» نمی‌توان بر آنها نامی نهاد.

شاید بنا به تعابیری مقام «خاموشی عقل» از جنبه فردی و جایگاه شخصی مفید یا حداقل بی‌ضرر باشد لیکن نتیجه تکیه به آن در گستره جمعی و جایگاه تعیین مقدرات اجتماعی فاجعه‌آمیز خواهد بود.

شخصی را تصور کنید که فرزندش را بر اثر یک بیماری ناشناخته از دست داده است؛ در کشمکش، عقل این شخص را نهیب خواهد زد که علت این واقعه چه بوده و چگونه می‌شد از آن جلوگیری کرد؟ از طرفی با این استدلال که «قسمت و مشیت بوده» سعی خواهد کرد با فشردن دکمه «خاموشی عقل» واقعیت را بهتر و آسان‌تر بپذیرد. اکنون تصور کنید که یک «جامعه» چنین فرمولی را برای خود تجویز کرده باشد که در هر مصیبت با استدلال «مقدرات» به مقام «خاموشی عقل» برسد و واقعیت‌های

تلخ زندگی را بر خود هموار سازد. به جرأت می‌توان گفت چنانچه کلیه جوامع بشری چنین فرهنگ غالبی داشتند، هنوز حتا داروی سرماخوردگی هم کشف نشده بود! با وجود پاسخ حاضر و آماده‌ای چون «قسمت و مشیت» آزمونگری علمی، تفکر انتقادی، خاک آزمایشگاه را خوردن برای یافتن علل بیماری‌ها، اکتشافات و اختراعات به گونه‌ای وقت تلف کردن و چه بسا فعالیتی توأم با گناه و در خلاف جهت مشیت تعبیر می‌شوند.

مثال ساده‌ی بالا، مشتی است نمونه‌ی خروار که نشان می‌دهد مقام «خاموشی عقل» حتا اگر در زندگی شخصی کارکرد مثبتی داشته باشد و حالات سخت روانی ما را تعدیل و پذیرش مشکل را تسهیل نماید، قریب به یقین در جامعه کارکردی فاجعه‌بار در پی خواهد داشت.

انتخاب این سری کتاب‌ها بر این مبنا بوده است که کمکی باشد در جهت اشاعه‌ی فرهنگ پیروزی عقل در بزنگاه‌های زندگی. علم اقتصاد، به جهت خواص مادی آن، در اغلب موارد خود را به زندگی ما تحمیل می‌کند و موجب توجه ما از عوالم دیگر به جهان مادی و حقیقی می‌شود. همگی ما در زندگی شخصی خود سعی وافر داریم تا در تصمیم‌های اقتصادی نه تنها عقل خود را تعطیل نکنیم بلکه بر مبنای منتها درجه عقلانیت ممکن عمل کنیم. ضرب‌المثل «شکم گرسنه دین و ایمان ندارد» ناظر بر همین اصل است.

در این میان از دوست اندیشمند و فرهیخته، جناب دکتر امیرحسین خالقی، به خاطر همراهی‌شان در این امر صمیمانه تشکر می‌کنم. در زمانه‌ای که کار ترجمه کتاب‌ها، اغلب با یک کلیک و توسط نرم‌افزارها انجام می‌شود ایشان گاه برای یافتن

معادل روان یک اصطلاح، روزها کلنجار رفته و در نهایت با ترجمه روان و خواندنی، اصالتی جدید به آن بخشیده و به اصطلاح کتاب را «به نام خود» کرده‌اند.

پس از انتشار کتاب «اقتصاد اتریشی» و «مبانی فلسفی و اقتصادی سرمایه‌داری»، سومین همکاری ما با عنوان «بیست مغلظه اقتصادی» از سری کتبی است که با هدف آشنایی پارسی‌زبانان جوان با جان تفکر انتقادی و رویکرد عقلی به علوم انسانی منتشر می‌شود. امید که اندکی برغنای فهم از علم اقتصاد تأثیرگذار باشد.